از وبا تا قحطی نان

گریزی به اوضاع مشهد در آخرین سال‌های حکومت قاجار

مشهد در پایان حکومت قاجار اوضاع خوبی ندارد و همه‌چیز نشانه به یک بلبشو است که به تهران بی‌نظمی و بی‌ثباتی‌اش بیش از هر چیز دیگری ارزدهنده است. مقارن شدن تقویم با سالروز پایان حکومت قاجار سببی شد تا به مرور اوضاع مشهد در این بوزه تاریخی بپردازیم.

دکتر یوسف متولی حقیقی در کتاب تاریخ معاصر مشهد با گریزی به آن ایام تیتر تحلیل می‌کند: «رضاخان در اواخر سال ۱۳۰۲ بر آن شده بود که از طریق تبدیل حکومت ایران به جمهوری، ضمن خلع قاجار با به دست آوردن مسند ریاست جمهوری برای مخالفان او در مشهد بسیار دشوار می‌شود.

علاوه بر این در این دوره، مشهد، شیوع بیماری انفلوانزا را در آذر ۱۳۰۹ خورشیدی تجربه می‌کند که باعث مرگ حدود ۵۰۰تن از مردم این شهر به‌ویژه سالمندان و نیازمندان می‌شود. در این ماه سازمان بهداشتی شهر خورشید سرخ ایران، شعبه مشهد، با هدف تهیه سرپناه، خوراک و کار برای گدایان و نیازمندان مشهد به ریاست حسن آقا خزاعی، فرمانده کُل قشون، تأسیس می‌شود.

سردار اسعد، استاندار خراسان، در مبانه این مشکلات تصمیم به استعفا می‌گیرد و در اواخر پاییز ۱۳۳۳ جای خود به «میرزا ابوالقتح طبا طبا بی حشمت الدو له و الا تبار» می‌دهد. اوضاع مشهد در این دوره آرام است و کشاکش‌های مرتبط به انتخابات فرونشسته است، به‌طوری که استاندار جدید در تلگرافی رمزی به رضاخان می‌نویسد که در خراسان به‌دلیل فعالیت‌هایی که وی برای «جذب قلوب مردم نسبت به رئیس جمهور» ایجاد کرده، «هیچ مخالف و هیچ مخالفی وجود ندارد.»

یکی دیگر از زمینه‌های اعتراض مردم مشهد در این دوره، نارضایتی از عملکرد حسین آقا خزاعی است که درنهایت منجر به خروج او از خراسان می‌شود و در اواخر سال ۱۳۰۳ جایش را به سرتیپ «جان محمدخان امیرعلایی» می‌دهد که در ادامه حضورش با ایجاد فضای دوقطبی، سبب استعفای استاندار می‌شود.

در این گیرو دار اما یکی از اقداماتی که در این زمان برای رفاه حال مردم صورت می‌گیرد، ساخت بیمارستان است. علاوه‌بر این فرمانده لشکر اقدامات متعددی برای محدود کردن فعالیت کنسولگری فعال شوروی و احزاب و گروه‌های کمونیستی مشهد انجام می‌دهد.

یکی دیگر از کارهایی که در زمان ماموریت رضاشاه در مشهد به انجام می‌رسد، اعدام عزیز ا... خان شادلو، سردار معزز بجنوردی، است که از خوانین مقتدر شمال خراسان بود. اعدام سردار معزز و همراهانش در مشهد، باعث دنبال می‌کند و در شمارهای مختلف خود پیرامون این مسئله و حمایت گروه‌ها و جمعیت‌ها از جمهوری خبر و مقاله می‌نویسد. در کنار آن، نخستین تجمع جمهوری‌خواهی در مشهد در ۲۴ اسفند ۱۳۰۲ در باغ ملی برگزار می‌شود.

سردار اسعد، استاندار خراسان، در مبانه این مشکلات تصمیم به استعفا می‌گیرد و در اواخر پاییز ۱۳۳۳ جای خود به «میرزا ابوالقتح طبا طبا بی حشمت الدو له و الا تبار» می‌دهد. اوضاع مشهد در این دوره آرام است و کشاکش‌های مرتبط به انتخابات فرونشسته است، به‌طوری که استاندار جدید در تلگرافی رمزی به رضاخان می‌نویسد که در خراسان به‌دلیل فعالیت‌هایی که وی برای «جذب قلوب مردم نسبت به رئیس جمهور» ایجاد کرده، «هیچ مخالف و هیچ مخالفی وجود ندارد.»

یکی دیگر از زمینه‌های اعتراض مردم مشهد در این دوره، نارضایتی از عملکرد حسین آقا خزاعی است که درنهایت منجر به خروج او از خراسان می‌شود و در اواخر سال ۱۳۰۳ جایش را به سرتیپ «جان محمدخان امیرعلایی» می‌دهد که در ادامه حضورش با ایجاد فضای دوقطبی، سبب استعفای استاندار می‌شود.

علاوه‌بر این در این دوره، مشهد، شیوع بیماری انفلوانزا را در آذر ۱۳۰۹ خورشیدی تجربه می‌کند که باعث مرگ حدود ۵۰۰تن از مردم این شهر به‌ویژه سالمندان و نیازمندان می‌شود. در این ماه سازمان بهداشتی شهر خورشید سرخ ایران، شعبه مشهد، با هدف تهیه سرپناه، خوراک و کار برای گدایان و نیازمندان مشهد به ریاست حسن آقا خزاعی، فرمانده کُل قشون، تأسیس